



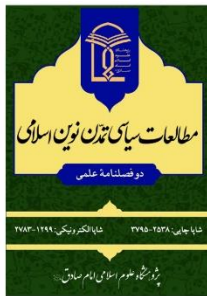
Imam Sadiq Research Institute  
for Islamic Sciences

Research Institute for Political  
and Defence Studies

P. ISSN: 3795-2538 & E. ISSN: 2783-1299

Website: <http://sjs.isri.ac.ir>

Autumn 2025 & Winter 2026



## Analyzing the Function of Popularizing Power in Realizing the Modern Islamic Civilization From the Perspective of the Holy Quran

Seyed Mohammad Hoseinirad\*, somayyeh Khaleghi\*\*

Doi: <https://doi.org/10.22034/rcdir.2026.556172.1220>

Received: 2025/11/23 - Revised: 2026/02/02 - Accepted: 2026/02/24

Article Type: Research Article

### Abstract

The popularization of power—defined as the genuine transfer and participation of the people in decision-making processes, social governance, and the consolidation of the political system—is a fundamental principle for realizing the New Islamic Civilization. This concept goes beyond a socio-political mechanism and represents a moral and civilizational value that strengthens the foundations of Islamic society in achieving justice, cohesion, and progress. The Holy Qur'an, with its emphasis on the existential dimensions of human beings, provides a theoretical and value-based framework for the popularization of power. This article adopts an explanatory-analytical approach to examine the concept of the popularization of power from a Qur'anic perspective across three dimensions: cognitive, attitudinal, and behavioral, and explores its relationship with the realization of the New Islamic Civilization. The findings indicate that, through twelve Qur'anic components, the popularization of power not only fosters deep political participation but also facilitates comprehensive justice, enhances social capital, and strengthens national cohesion in Islamic society. By presenting a conceptual model grounded in Qur'anic teachings, this study clarifies the key dimensions and components of the popularization of power and highlights its strategic role in the structure of the New Islamic Civilization, while also offering practical implications for cultural, social, and political domains.

**Keywords:** Religious Democracy, New Islamic Civilization, Monotheistic Society, Popularization of Power.

\* Researcher, Political Studies and Islamic Revolution Group, Strategic Studies Center of Higher Education (MARA), Tehran, Iran (Corresponding Author). Email: [s.m.hoseinirad@gmail.com](mailto:s.m.hoseinirad@gmail.com).

\*\* PhD Candidate in Qur'anic Sciences and Hadith, Faculty of Qur'anic Sciences, University of Qur'an and Hadith Sciences, Qom, Iran. Email: [somayekhaleghi.qom@gmail.com](mailto:somayekhaleghi.qom@gmail.com).



پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق (ع)

پژوهشگاه مطالعات سیاسی و دفاعی

P. ISSN: 2795-2538 & E. ISSN: 2783-1299

تلفن: پانزده شهره: http://sis.isri.ac.ir

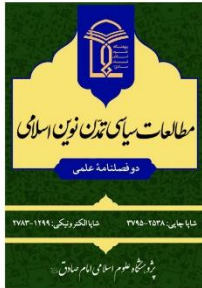
پاییز و زمستان ۱۴۰۴

## واکاوی کارکرد مردمی سازی قدرت در تحقق تمدن نوین اسلامی از منظر قرآن کریم

سید محمد حسینی‌راد\*، سمیه خالقی\*\*

Doi: <https://doi.org/10.22034/rcdir.2026.556172.1220>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۹/۰۲ - تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۱۱/۱۳ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۲/۰۵  
نوع مقاله: پژوهشی



\* پژوهشگر گروه مطالعات سیاسی و انقلاب اسلامی، مرکز مطالعات راهبردی آموزش عالی (مرآ)، تهران، ایران (نویسنده مسئول)،  
s.m.hosseinirad@gmail.com  
. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث،  
دانشکده علوم قرآن، دانشگاه علوم قرآن و حدیث، قم، ایران.  
somayekhaloghi.qom@gmail.com

### چکیده

مردمی‌سازی قدرت، به معنای انتقال و مشارکت واقعی مردم در فرایند تصمیم‌سازی، مدیریت اجتماعی و تحکیم ساختار نظام سیاسی، از اصول بنیادین تحقق تمدن نوین اسلامی محسوب می‌شود. این مفهوم، فراتر از یک سازوکار سیاسی-اجتماعی، یک ارزش اخلاقی و تمدنی است که پایه‌های جامعه اسلامی را برای تحقق عدالت، و انسجام و پیشرفت بیشتر تقویت می‌کند. قرآن کریم با تأکید بر ساحت‌های وجودی انسان، چهارچوبی نظری و ارزشی برای مردمی‌سازی قدرت ارائه می‌دهد. این مقاله با رویکرد تبیینی-تحلیلی، به واکاوی مفهوم مردمی‌سازی قدرت از منظر قرآن کریم از سه منظر بینشی، گرایشی و کنشی پرداخته و ارتباط آن را با تحقق تمدن نوین اسلامی بررسی می‌کند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که مردمی‌سازی قدرت با احصای مؤلفه‌های دوازده‌گانه قرآنی، علاوه بر ایجاد مشارکت عمیق سیاسی، زمینه‌ساز تحقق عدالت فراگیر، افزایش سرمایه اجتماعی و تقویت انسجام ملی در جامعه اسلامی است. این پژوهش با ارائه مدل مفهومی مبتنی بر آموزه‌های قرآنی، ابعاد و مؤلفه‌های کلیدی مردمی‌سازی قدرت را تبیین کرده و نقش آن را به‌صورت محور راهبردی در ساختار تمدن نوین اسلامی ترسیم می‌کند. چنین رویکردی، علاوه بر غنای نظری، ظرفیت عملی‌سازی این ایده را در عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی فراهم می‌آورد.

**واژگان کلیدی:** مردم‌سالاری دینی، تمدن نوین اسلامی، جامعه توحیدی، مردمی‌سازی قدرت.

## مقدمه

تمدن نوین اسلامی، چشم اندازی جامع و آینده ساز است که هدف آن تحقق جامعه‌ای عادل، مشارکتی و ارزش محور بر پایه آموزه‌های اسلامی است (عابدی درجه، ۱۴۰۱: ۲۳). یکی از اصول بنیادین این تمدن، «مردمی سازی قدرت» است که بر انتقال و مشارکت واقعی مردم در فرایندهای تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی و مدیریت اجتماعی تأکید دارد. مردمی سازی قدرت، علاوه بر اینکه یک ضرورت سیاسی-اجتماعی است، یک ارزش اخلاقی و تمدنی است که می‌تواند ساختارهای اجتماعی را برای تحقق عدالت، انسجام و توسعه پایدار بازسازی کند. در این راستا، بررسی این مفهوم از منظر قرآن کریم اهمیت دوچندانی می‌یابد؛ زیرا قرآن، به مثابه منبعی جامع از ارزش‌ها و اصول هدایتگری، آموزه‌های بنیادین را در این زمینه عرضه کرده است.

تجربه‌های معاصر نشان می‌دهد که بسیاری از نظام‌های سیاسی و اجتماعی، اگرچه از جنبه ساختاری به «مردمی سازی قدرت» توجه کرده‌اند، اما از بُعد ارزش محور و اخلاقی این فرایند غفلت ورزیده‌اند (عصاریان‌نژاد و علیزاده، ۱۳۹۸: ۷۶). این مسئله موجب کاهش اعتماد عمومی، تضعیف انسجام اجتماعی و ناکامی در تحقق اهداف تمدنی شده است. در واقع، فقدان الگوی مدون و مبتنی بر منابع دینی، از خلأهای مهم در حوزه نظری و عملی مردمی سازی قدرت به شمار می‌رود.

براین اساس، ضرورت دارد تا مفهوم مردمی سازی قدرت در چهارچوب ارزش‌ها و آموزه‌های قرآن کریم بازشناسی و واکاوی شود. چنین پژوهشی، ازسویی به غنای علمی این مفهوم می‌افزاید و ازسوی دیگر، الگوی نظری و عملی مشخصی برای پیاده‌سازی آن در ساختار تمدن نوین اسلامی ارائه می‌دهد. این پژوهش با رویکرد تبیینی-تحلیلی در تلاش است که مؤلفه‌های مردمی سازی قدرت را استخراج، تبیین و در قالب یک مدل مفهومی ترسیم کند تا بتواند مسیر تحول تمدنی جوامع اسلامی را هموار سازد.

بنابراین، این تحقیق بر آن است تا با واکاوی عمیق آموزه‌های قرآن کریم، پاسخی مستدل به این پرسش اساسی بدهد که «مفهوم مردمی سازی قدرت، چگونه و بر چه مبنایی می‌تواند

در تحقق تمدن نوین اسلامی نقش آفرین باشد؟». پاسخ به این پرسش، علاوه بر غنای نظری، ظرفیت‌های عملی تحقق مردمی‌سازی قدرت را در عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی روشن می‌سازد و گامی اساسی به سوی تحقق آرمان تمدن نوین اسلامی خواهد بود.

### ۱. بیان مسئله

مردمی‌سازی قدرت، به منزله مفهومی محوری در اندیشه سیاسی اسلام، نقش تعیین‌کننده‌ای در فرایند تمدن‌سازی نوین اسلامی ایفا می‌کند (رشیدی و همکاران، ۱۴۰۳: ۱۹۲). این مفهوم، فراتر از مشارکت صوری، بر حضور واقعی، مستمر و نهادینه‌شده مردم در تمام سطوح حکمرانی، شامل تصمیم‌گیری، نظارت و توزیع قدرت، دلالت دارد. قرآن کریم با تأکید بر اصولی چون شورا، عدالت، کرامت ذاتی انسان و مسئولیت‌پذیری اجتماعی، چهارچوب نظری و ارزشی متمایزی برای فهم رابطه قدرت و مردم ارائه می‌دهد. در این منظومه فکری، قدرت نه ابزار سلطه، بلکه امانتی الهی تلقی می‌شود که مشروعیت و کارآمدی آن وابسته به مشارکت فعال و آگاهانه مردم است (چیت‌سازیان، ۱۴۰۱: ۲۳۱).

با وجود این مبانی غنی، مطالعات معاصر در حوزه تمدن اسلامی نشان می‌دهد که مقوله مردمی‌سازی عمدتاً در حصار تحلیلی نهادها و ساختارهای سیاسی محدود مانده و ابعاد عمیق ارزشی، اخلاقی و تمدنی آن مورد غفلت واقع شده است. این تقلیل‌گرایی تحلیلی، پیامدهای عملی نامطلوبی از جمله فرسایش اعتماد عمومی، شکاف روزافزون بین حکومت‌شوندگان و حکومت‌کنندگان، و ناتوانی در تبدیل مشارکت مردمی به سرمایه‌ای پایدار برای پیشرفت تمدنی را به همراه داشته است.

در پاسخ به این خلأ، هدف این پژوهش عبارت است از: «تدوین و تبیین مؤلفه‌های مردمی‌سازی قدرت براساس آموزه‌های قرآن کریم، به گونه‌ای که این مؤلفه‌ها، افزون بر کارکردهای سیاسی-اجتماعی، برپایه ارزش‌های اخلاقی و عدالت‌بنیان استوار باشند و از ظرفیت پویا و کارآمدی برای ارتقای پروژه تمدنی برخوردار باشند». فقدان چنین چهارچوب نظام‌مندی، خلئی نظری و عملی در مسیر تحقق تمدن نوین اسلامی ایجاد کرده که پر کردن آن، ضرورتی علمی و راهبردی است.

بازخوانی مبانی قدرت و بازتعریف نقش مردم در فرایند حکمرانی، از لوازم ضروری تحقق تمدن نوین اسلامی است. در این راستا، مردمی‌سازی قدرت، به‌منزله یک مؤلفه اساسی، جایگاهی محوری دارد. واکاوی این مفهوم مستند به قرآن کریم، امکان دستیابی به الگویی بومی و دینی را فراهم می‌سازد که هم‌قادر به نقد الگوهای وارداتی است و هم می‌تواند پاسخگوی نیازهای پیچیده جوامع اسلامی در عرصه تمدن‌سازی باشد. فقدان چنین چهارچوب منسجمی، تاکنون موجب غالب شدن برداشت‌های سطحی و پراکنده از مشارکت مردمی در ادبیات تمدنی شده است.

در بُعد عملی، بسیاری از جوامع اسلامی با چالش‌های ساختاری، مانند ضعف سرمایه اجتماعی و گسست بین مردم و نهادهای قدرت مواجه هستند. تبیین علمی مردمی‌سازی قدرت از منظر قرآن می‌تواند مبنایی برای طراحی راهبردهای کارآمد، به‌منظور بازسازی اعتماد عمومی، افزایش کارآمدی نظام‌های سیاسی و تقویت انسجام اجتماعی فراهم آورد. بنابراین، این پژوهش هم از حیث نظری، به‌منظور غنابخشی به ادبیات تمدن‌سازی اسلامی حائز اهمیت است و هم در عرصه کاربردی، می‌تواند چهارچوبی راهنما برای سیاست‌گذاری و بهبود کیفیت حکمرانی ارائه دهد.

## ۲. روش پژوهش

این پژوهش از نوع کیفی و با رویکرد اسنادی-تحلیلی انجام می‌شود. هدف آن شناسایی و واکاوی مؤلفه‌های مردمی‌سازی قدرت از منظر قرآن کریم و تبیین نقش آن‌ها در تحقق تمدن نوین اسلامی است.

در گام نخست، منابع قرآنی شامل متن قرآن کریم و تفاسیر معتبر تاریخی، مانند تفسیر طبری، و تفاسیر معاصر، نظیر المیزان، نمونه و تفسیر موضوعی مرکز فرهنگ و معارف قرآن، موردبررسی قرار می‌گیرد. آیات مرتبط با موضوع مردمی‌سازی قدرت، با روش تحلیل محتوای موضوعی<sup>۱</sup> استخراج و طبقه‌بندی می‌شوند. مؤلفه‌های مهم ارتباط جامعه مسلمان با حکومت اسلامی، شامل ۱۲ مؤلفه احصاشده از آیات قرآن کریم، به‌مثابه محورهای

1 Thematic Content Analysis

اصلی تحلیل، انتخاب شده و براساس زمینه آیات و ارتباط آن‌ها با مفهوم مشارکت اجتماعی و سیاسی در جامعه اسلامی مورد بررسی قرار می‌گیرند.

در گام دوم، یافته‌های قرآنی با ادبیات پژوهشی موجود در حوزه اندیشه سیاسی اسلام و مطالعات تمدنی تطبیق داده می‌شود. این کار با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، شامل کتاب‌ها، مقالات علمی-پژوهشی، پایان‌نامه‌ها و آثار اندیشمندان اسلامی انجام می‌گیرد. در این مرحله تلاش می‌شود تا شکاف‌های نظری موجود، شناسایی شده و نقاط قوت و ضعف دیدگاه‌های پیشین تبیین گردد.

در گام نهایی، مؤلفه‌های استخراج‌شده در سه حوزه بینشی، گرایش‌ی و کنشی، دسته‌بندی و در قالب یک مدل مفهومی کیفی ارائه می‌شوند. این مدل نشان می‌دهد که چگونه مردمی‌سازی قدرت در سطح معرفتی، ارزشی و رفتاری می‌تواند به تحقق اهداف تمدن نوین اسلامی یاری رساند.

بدین ترتیب، روش پژوهش فرارو بر تفسیر متون دینی و تحلیل نظری متمرکز است و بدون استفاده از داده‌های میدانی، به دنبال ارائه چهارچوبی نظری و بومی برای مردمی‌سازی قدرت در پرتو قرآن کریم است.

### ۳. پیشینه پژوهش

مقاله «بازخوانش ادبیات قدرت متناسب با ظرفیت‌های فرهنگی-تمدنی جمهوری اسلامی ایران» نوشته سیامک باقری و فرامرز عابدینی (۱۴۰۲) به بازخوانی مفهوم قدرت متناسب با ظرفیت‌های فرهنگی-تمدنی ایران اسلامی می‌پردازد و نشان می‌دهد که قدرت در گفتمان اسلامی-انقلابی صرفاً امری سیاسی یا متمرکز در نهاد حاکمیت نبوده، بلکه پدیده‌ای اجتماعی، چندلایه، فرهنگ‌پایه و ریشه‌دار است که منشأ الهی دارد و تحقق عینی آن از مسیر مردم امکان‌پذیر می‌شود. نویسندگان با تأکید بر پیوند ذاتی فرهنگ، قدرت و جامعه، مردمی‌سازی قدرت را به مثابه سازوکار اصلی شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی معرفی می‌کنند؛ بدین معنا که انتقال، اعمال، مهار و تداوم قدرت باید برپایه مشارکت آگاهانه مردم، مسئولیت‌پذیری اجتماعی، نظارت عمومی، اقناع فرهنگی و بسیج سرمایه اجتماعی صورت گیرد.

محمد رضا رشیدی آل هاشم و همکارانش (۱۴۰۳) در مقاله «بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت اجتماعی بسیج، در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی»، با تکیه بر گفتمان اسلامی- انقلابی، قدرت را پدیده‌ای فرهنگی، الهی منشأ و اجتماعی دانسته و تأکید می‌کنند که تحقق تمدن نوین اسلامی بدون پیوند ارگانیک میان قدرت، فرهنگ و مردم امکان‌پذیر نیست. این پژوهش مردمی‌سازی قدرت را به معنای مشارکت فعال و آگاهانه مردم در تولید، توزیع، اعمال و نظارت بر قدرت تبیین می‌کند و نشان می‌دهد که مردم نه صرفاً تابعان حکومت، بلکه حاملان مشروعیت، سرمایه اجتماعی و نیروی محرک تمدن‌سازی هستند. از نظر نویسندگان، زمانی تمدن نوین اسلامی شکل می‌گیرد که قدرت از حالت تمرکزگرایی صرف، خارج شده و در قالب اقناع فرهنگی، اعتماد اجتماعی، مسئولیت‌پذیری جمعی و نهادهای برخاسته از اراده عمومی در جامعه نهادینه شود.

مقاله «مردمی‌سازی کارکردهای دولت با تأکید بر منظومه فکری مقام معظم رهبری» اثر علیرضا فرهمندنیا، پروانه بیاتی و سید محسن خادمی نوش‌آبادی (۱۴۰۳)، با بهره‌گیری از روش تحلیل مضمون، به استخراج نظام‌مند الگوهای مفهومی از بیانات رهبری پرداخته و پنج سطح کارکردی ارتباطی، اجرایی، آموزشی، اقتصادی و مشارکتی را شناسایی کرده است. ارزش علمی این پژوهش، در ارائه مدلی جامع از مردمی‌سازی با استناد به متون اولیه و طبقه‌بندی دقیق مؤلفه‌های زمینه‌ساز و بازدارنده است. با این حال، ضعف اصلی کار در فقدان نقد و ارزیابی تضادهای احتمالی بین مؤلفه‌های شناسایی شده و عدم توجه به چالش‌های عملیاتی‌سازی این مدل در بافت سیاسی-اداری ایران مشاهده می‌شود.

مقاله «ویژگی‌های مؤثر در مردمی‌سازی حکمرانی امنیتی با تأکید بر بیانات مقام معظم رهبری» اثر محمود عسگری (۱۴۰۱)، با تحلیل مضامین ۲۶ ویژگی کلیدی، به تبیین پیوند بین حکمرانی امنیتی و مشارکت مردمی می‌پردازد. ارزش این پژوهش در ترکیب نظریه‌های امنیتی بین‌المللی با اندیشه رهبری و ارائه الگویی بومی است؛ اما ضعف علمی آن، در عدم توجه به تنش‌های ذاتی بین «امنیت» و «مردمی‌سازی» (مانند تعارض حریم خصوصی و نظارت امنیتی) و نیز غفلت از تحلیل میدانی برای سنجش کارآمدی ویژگی‌های پیشنهادی است.

در مقاله «الگوی حکمرانی سرآمد نظام توحیدی و مردم‌سالاری دینی» نوشته علی‌رضا توکلی و غلامرضا گودرزی (۱۴۰۱)، نویسندگان با تمرکز بر رابطه فرهنگ، قدرت و تمدن، استدلال می‌کنند که تمدن نوین اسلامی زمانی قابل تحقق است که قدرت از یک امر صرفاً متمرکز و نهادی به پدیده‌ای اجتماعی و مردم‌پایه تبدیل شود. ایشان با نقد الگوهای اقتدارگرایانه، مردمی‌سازی قدرت را فرایندی می‌دانند که در آن مردم، به‌مثابه منبع مشروعیت، عامل کنش جمعی و حامل سرمایه فرهنگی و معنوی هستند. از نگاه نویسندگان این پژوهش، مشارکت آگاهانه مردم، نظارت اجتماعی، اقتناع فرهنگی و درونی‌سازی ارزش‌های دینی در جامعه، سازوکارهایی هستند که قدرت را به نیرویی تمدن‌ساز بدل کرده و زمینه شکل‌گیری و پایداری تمدن نوین اسلامی را فراهم می‌سازند.

مقاله «مفهوم‌شناسی مردمی‌سازی حکمرانی» از اسماعیل شیرعلی (۱۴۰۱)، به بررسی مفهومی و نظری مردمی‌سازی در نظام حکمرانی، با تأکید بر ادبیات علوم اجتماعی و تجربه ایران پس از انقلاب می‌پردازد. ارزش علمی این مقاله، در ارائه چهارچوب مفهومی منسجم برای مردمی‌سازی، تبیین ابعاد سه‌گانه آن (مشارکت، برابری و نقش سازمان‌های مردمی) و نیز تحلیل موردی نهادهایی مانند جهاد سازندگی است. نویسنده با بهره‌گیری از روش کتابخانه‌ای و مرور نظام‌مند، توانسته است پیوندی میان نظریه‌های حکمرانی و زمینه بومی ایران برقرار کند. با این حال، ضعف اصلی مقاله، فقدان روش تحقیق میدانی و داده‌های عینی برای سنجش میزان تحقق مردمی‌سازی در عمل است. این پژوهش، هرچند به نقد دوگانه‌سازی دولت-مردم می‌پردازد، اما راهکارهای عملیاتی برای گذار از این وضعیت در آن به‌صورت مبهم باقی مانده و بیشتر در سطح مفهومی ارائه شده است.

#### ۴. یافته‌های پژوهش

تقسیم‌بندی مردمی‌سازی قدرت به سه حوزه بینشی، گرایشی و کنشی، برخاسته از دو حیطة روانشناسی انسان<sup>۱</sup> و منطق درونی تفکر اسلامی، به‌ویژه در مکتب سیاسی شیعه، است که همواره میان «ایمان»، «ارزش» و «عمل»، پیوند ساختاری عمیقی برقرار می‌کند. در این

چهارچوب، حوزه بینشی، بُعد نظری و هستی‌شناختی قدرت را روشن می‌سازد و مبنای مشروعیت و غایت آن را از منظر توحیدی و عدالت‌محور تعریف می‌کند (جعفری هفت‌خوانی و کوهکن، ۱۴۰۱: ۱۷۵).

حوزه‌گرایی، مرحله‌درونی‌سازی و نهادینه‌سازی ارزش‌های ایمانی، اخلاقی و اجتماعی در وجدان جمعی جامعه است که بدون آن، هر نظام مردمی به پوسته‌ای بی‌روح بدل می‌شود (آقاجانی، ۱۴۰۳: ۳۶) و درنهایت، حوزه‌کنشی، میدان تحقق عینی آن باورها و ارزش‌ها در قالب رفتار اجتماعی، تصمیم‌سازی مشارکتی و نظارت عمومی است.

تفاوت بنیادین سه حیطه بینشی، گرایش و کنشی، در رفتار اجتماعی انسان در سطح کارکرد، و نقش هریک در زنجیره شکل‌گیری کنش اجتماعی نهفته است. حیطه بینشی به نظام ادراکات، باورها و چهارچوب‌های تفسیری فرد درباره واقعیت اجتماعی اشاره دارد و کارکرد آن تولید معنا و فهم است؛ به‌گونه‌ای که فرد براساس آن، جهان اجتماعی را تفسیر و ارزیابی می‌کند. حیطه‌گرایی ناظر بر ساحت انگیزشی و عاطفی رفتار است و شامل ارزش‌ها، نگرش‌ها، تمایلات و ترجیحات پایدار فرد می‌شود که از دل باورها برمی‌خیزند اما مستقیماً به سطح اراده و میل کنش پیوند می‌خورند. در مقابل، حیطه کنشی عرصه عینیت‌یافتگی باورها و گرایش‌ها در قالب رفتارهای قابل مشاهده و تعاملات اجتماعی است و تحت تأثیر هم‌زمان ساختارهای اجتماعی، هنجارها و محدودیت‌های موقعیتی شکل می‌گیرد. ازاین‌رو، نقطه تمایز این سه حیطه را باید در گذار از «فهم و تفسیر»، به «انگیزش و ترجیح» و درنهایت، به «عمل و رفتار عینی» دانست که هرچند به‌صورت تحلیلی متمایز می‌شوند، اما در واقعیت اجتماعی، در رابطه‌ای دیالکتیکی و به‌هم‌پیوسته عمل می‌کنند.

#### ۱-۴. حوزه بینشی

کارکرد بینش در مردمی‌سازی قدرت، زیربنای معرفتی و فلسفی نظام تمدنی اسلامی را تشکیل می‌دهد. در این حوزه، قدرت به‌مثابه امانتی الهی و غیراز ابزار سلطه تعریف شده و مبنای مشروعیت آن، اتصال به حق و عدالت است؛ بدون دخالت اراده فرد یا طبقه‌ای خاص (پرویش، ۱۳۹۸: ۲۱۰). از منظر اندیشه سیاسی شیعه، قدرت زمانی مردمی می‌شود که با

حقیقت توحید پیوند یابد (حاتمی و همکاران، ۱۴۰۲: ۱۲۹)؛ زیرا در این نگاه، مردم نه توده‌ای بی‌اراده، بلکه حاملان امانت الهی و شرکای اخلاقی در تحقق عدالت اجتماعی هستند. در چنین چهارچوبی، کرامت انسان، آزادی معنوی و مسئولیت جمعی، سه رکن بنیادین بینش تمدنی محسوب می‌شوند (عابدی درچه، ۱۴۰۱: ۴۳). این سطح بینشی، نوعی خودآگاهی تاریخی در امت اسلامی ایجاد می‌کند که براساس آن، مردم به‌عنوان خلیفه‌های الهی در زمین، خود را مسئول ساخت تمدن عادلانه می‌دانند و در برابر هرگونه تمرکز قدرت یا سلطه‌گری غیرالهی حساس می‌شوند.

#### مؤلفه اول: حاکمیت مطلق خداوند و نفی سلطه طاغوت

در چهارچوب تمدن‌آفرینی اسلامی، حاکمیت مطلق خداوند، به‌منزله یکی از اصول بنیادین نظام فکری و سیاسی اسلام، جایگاهی محوری دارد. قرآن کریم در آیه «إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ» (یوسف: ۴۰) به‌وضوح بیان می‌کند که حاکمیت و قانون‌گذاری تنها از آن خداست و هرگونه ادعای استقلال در حکمرانی خارج از چهارچوب اراده الهی، نوعی سلطه طاغوتی محسوب می‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۸: ج ۹: ۲۳۸). این اصل، هسته «نفی طاغوت» را تشکیل داده و زمینه فکری مردمی‌سازی قدرت را فراهم می‌آورد؛ چراکه قدرت دیگر در اختیار فرد یا گروهی مطلق نیست، بلکه امانتی الهی است که باید در میان مردم و براساس موازین شرعی توزیع شود (سلطانی رنانی، ۱۳۸۸: ۱۷۰).

پذیرش این اصل در سطح جامعه، پیامدهای تمدنی گسترده‌ای دارد. نظام ارزشی مبتنی بر حاکمیت الهی، معیاری واحد و فراتاریخی برای اداره جامعه فراهم می‌کند که انسجام اجتماعی را تقویت کرده و از تفرقه‌ها و استبدادهای ناشی از تعدد منابع مشروعیت جلوگیری می‌کند. در تمدن نوین اسلامی، تمام نهادهای قدرت، مشروعیت خود را از وابستگی به ارزش‌های الهی می‌گیرند و درعین حال، به‌عنوان نهادهایی مأمور، در خدمت مردم، به‌منزله صاحبان اصلی حق، عمل می‌کنند (عسگری، ۱۴۰۱: ۳۳). این دوگانگی «ولایت الهی» و «امانت‌داری از مردم»، ساختاری تعادل‌بخش در نظام سیاسی اسلامی ایجاد می‌کند.

ازسویی دیگر، پذیرش ولایت الهی به مثابه اصلی رهایی بخش عمل می کند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۸: ۳۸۹). آیه «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ» (بقره: ۲۵۷) نشان می دهد که وابستگی به خداوند، انسان را از اسارت ساختارهای ظالمانه - چه سیاسی، چه فرهنگی یا اقتصادی - رهایی می بخشد (طبری، ۱۳۸۶، ج ۶: ۱۸۴). در این چهارچوب، مردم دیگر رعیتی منفعل نیستند، بلکه شرکای فعال در هدایت جامعه به سوی عدالت و نور الهی محسوب می شوند. مشارکت عمومی در این نظام، برپایه ایمان، مسئولیت پذیری و تعهد به عدالت الهی استوار است (عصاریان نژاد و علیزاده، ۱۳۹۸: ۷۳).

به نظر می رسد تلقی قدرت به مثابه امانتی الهی، مردمی سازی قدرت را از یک راهبرد سیاسی، فراتر برده و به اصلی اعتقادی و تمدنی تبدیل می کند. جامعه اسلامی با تکیه بر این دیدگاه بنیادی، قادر است الگویی پایدار از مشارکت گسترده، عدالت اجتماعی و برابری حقوقی ارائه دهد؛ الگویی که زیربنای تحقق تمدن نوین اسلامی است؛ تمدنی که در آن قدرت ابزاری برای سلطه نیست، بلکه وسیله ای برای تحقق انسانیت و ولایت الهی در عرصه جهانی است.

### مؤلفه دوم: کرامت ذاتی انسان

قرآن کریم کرامت انسان را به مثابه یکی از اصول بنیادین نظام اجتماعی اسلام بیان می دارد. آیه «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِّنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» (اسراء: ۷۰) بیانگر این حقیقت است که کرامت انسان ذاتی و فطری است و به هیچ وجه مشروط به نژاد، جنسیت، طبقه یا جایگاه اجتماعی نیست (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۳: ۴۵). این کرامت، مبنایی الهی برای حق مشارکت فعال انسان در امور جامعه فراهم می آورد؛ یعنی حضور مردم در فرایندهای سیاسی و اجتماعی، امتیازی از سوی حاکمان نیست، بلکه حقی طبیعی و الهی محسوب می شود (جوادیان فرد و کوهی، ۱۴۰۲: ۲۷).

در تمدن نوین اسلامی، نصرت واقعی زمانی ممکن است که انسان ها با حفظ کرامت خویش، به صورت فعال در تصمیم گیری ها و اداره جامعه مشارکت کنند. کرامت انسانی در این چهارچوب، ابتدا یک ارزش اخلاقی و سپس بنیانی ساختاری برای مردمی سازی قدرت

است (رحیمی جابری، ۱۳۹۹: ۵۸)؛ چراکه با نفی تحقیر، تبعیض و سلطه‌جویی، بستری برای مشارکت برابر، عادلانه و مسئولانه فراهم می‌شود. این نگاه، سرمایه اجتماعی را تقویت کرده و احساس تعلق جمعی به پروژه تمدنی را در میان شهروندان گسترش می‌دهد. با این ادعا، پذیرش کرامت ذاتی انسان، ساختار روابط قدرت را متحول می‌کند. در جامعه‌ای که بر این اصل استوار است، روابط سلسله‌مراتبی و استبدادی، جای خود را به تعاملی مبتنی بر احترام متقابل، عدالت و برابری می‌دهد. با چنین رویکردی، مردم خود را صاحبان حقیقی حکومت می‌دانند و انگیزه درونی بیشتری برای مشارکت در مسیر پیشرفت و ساخت تمدن اسلامی پیدا می‌کنند (فرهمندینا و همکاران، ۱۴۰۳: ۱۳۰).

مردمی‌سازی قدرت در پرتو کرامت انسانی به این معناست که هر ساختار سیاسی یا نهادی زمانی مشروعیت دارد که کرامت انسان‌ها را پاس دارد. این اصل، ازسویی، مانع شکل‌گیری استبداد شده و ازسوی دیگر، زمینه‌ساز مشارکت واقعی مردم در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است (آقاجانی، ۱۴۰۳: ۳۹). بنابراین، کرامت ذاتی انسان، به منزله یک مؤلفه قرآنی، زیربنای استقرار تمدن نوین اسلامی را فراهم می‌آورد؛ تمدنی که در آن انسان‌ها درعین برخورداری از کرامت الهی، مسئولیت تحقق عدالت، آزادی و پیشرفت را نیز بر دوش دارند.

#### مؤلفه سوم: اصل مساوات و برابری

قرآن کریم بر اصل مساوات و برابری، به‌منزله یکی از ارکان بنیادین نظام اجتماعی اسلام تأکید می‌کند. آیه شریفه «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» (حجرات: ۱۳) به‌وضوح بیان می‌دارد که تنوع قومی، جنسیتی یا طبقاتی، مبنایی برای برتری یا تبعیض نیست (مکارم شیرازی، ۱۳۸۸: ۲۸۵)، بلکه معیار اصیل ارزش انسانی، تقوا و رعایت ارزش‌های معنوی است. این دیدگاه قرآنی، با نفی هرگونه تبعیض در دسترسی به قدرت و فرصت‌های اجتماعی، زیربنای نظری مردمی‌سازی قدرت را فراهم می‌آورد.

در تمدن نوین اسلامی، مشروعیت سیاسی و ثبات اجتماعی مستلزم حضور همه‌جانبه

اقتدار جامعه در فرایندهای تصمیم‌گیری و توزیع عادلانه قدرت است (قدسی و نایب‌حقیقی، ۱۴۰۳: ۱۷۲). اصل مساوات قرآنی، هویتی مشارکتی به این تمدن می‌بخشد و از تبدیل قدرت به امتیازی انحصاری برای گروه‌ها یا طبقات خاص جلوگیری می‌کند. این رویکرد، با تضمین تحقق عدالت اجتماعی، انسجام و همبستگی تمدنی را نیز تقویت می‌کند.

در جامعه اسلامی، رعایت اصل مساوات باعث ایجاد اعتماد متقابل و حس تعلق عمیق‌تر گروه‌های مختلف به نظام حاکم می‌شود (گوهری فخرآباد و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۷). در چنین فضایی، مشارکت شهروندان در امور حکمرانی افزایش یافته و پایه‌های همبستگی اجتماعی استحکام می‌یابد. در مقابل، تجربه تاریخی نشان داده است که جوامعی که در آن‌ها تبعیض نهادینه شده، دچار بحران مشروعیت، تنش‌های داخلی و درنهایت، فروپاشی اجتماعی می‌شوند (حاتمی و همکاران، ۱۴۰۲: ۱۳۶). در این راستا، مساوات قرآنی همچون موتور محرک وحدت، عدالت و پیشرفت عمل می‌کند.

بر اساس یافته‌ها، مردمی‌سازی قدرت، بدون تحقق اصل مساوات غیرممکن است. هنگامی که تمام افراد جامعه - صرف نظر از قومیت، جنسیت و موقعیت طبقاتی - فرصتی برابر برای مشارکت در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی داشته باشند، قدرت از انحصار خارج شده و مردم‌پایه می‌شود (عسگری، ۱۴۰۱: ۳۹).

#### مؤلفه چهارم: مسئولیت‌پذیری اجتماعی

مسئولیت‌پذیری اجتماعی در قرآن کریم، به منزله اصلی کلیدی در ساماندهی زندگی جامعه اسلامی مطرح شده است. آیه «كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِيْنَةٌ» (مدثر: ۳۸) تأکید می‌کند که هر فرد در برابر اعمال خود پاسخگو است؛ در حالی که آیه «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى» (مائده: ۲) همکاری جمعی در مسیر خیر و تقوا را وظیفه‌ای مشترک می‌داند (قرائتی، ۱۳۸۴: ۴۱۶). این دو بُعد - مسئولیت فردی و تعهد اجتماعی - بنیان حرکت جامعه اسلامی به سوی عدالت، اصلاح و تعالی اخلاقی هستند.

تحقق آرمان‌های تمدن نوین اسلامی مستلزم آن است که افراد درکنار توجه به منافع شخصی خود، به سرنوشت جمعی نیز اهمیت دهند. مسئولیت‌پذیری اجتماعی، زمینه

مشارکت فعال مردم در حل مسائل عمومی و هدایت جامعه را فراهم می‌آورد و از بی‌تفاوتی، انفعال و فرار از مسئولیت جلوگیری می‌کند (عابدی درجه، ۱۴۰۱: ۴۰). این نگرش، جامعه را به سوی پویایی، خودباوری و پیشرفت تمدنی سوق می‌دهد.

از دیدگاه جامعه‌شناختی، پذیرش این اصل باعث می‌شود مردم در برابر ظلم، فساد و انحراف ساکت نمانند و در دفاع از عدالت و ارزش‌های الهی نقش فعالی ایفا کنند (اراکی، ۱۳۸۸: ۴۶). آیه «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا» (نساء: ۵۸) نیز بر ضرورت امانت‌داری و مسئولیت در اداره امور عمومی تأکید دارد. چنین فرهنگی، اعتماد اجتماعی را تقویت کرده و همبستگی و مشارکت واقعی را در فرایند حکمرانی تسهیل می‌کند.

به نظر محققان (فرهمندینا و همکاران، ۱۴۰۳: ۱۲۸)، مردمی‌سازی قدرت در جامعه اسلامی زمانی ممکن است که مردم مسئولیت خود را در برابر جامعه و حاکمان بپذیرند و در مسیر اصلاح، فعال باشند. این مسئولیت‌پذیری، قدرت را از حالت تحمیلی و یک‌سویه خارج کرده و آن را به فرایندی تعاملی و مشارکتی تبدیل می‌کند. از این رو، مسئولیت‌پذیری اجتماعی، ضمن اهمیت به‌مثابه یک اصل اخلاقی، مؤلفه‌ای راهبردی در تحقق تمدن نوین اسلامی است.

## ۲-۴. حوزه‌گرایی

حوزه‌گرایی، عرصه نهادینه‌سازی ارزش‌ها و گرایش‌های درونی است که رفتار سیاسی و اجتماعی جامعه مؤمن را در مسیر مردمی‌سازی قدرت سامان می‌دهد. این حوزه بر ایمان به عدالت، تعهد اجتماعی، مشورت‌پذیری و پاسخ‌گویی حاکمان تأکید دارد و تلاش می‌کند تا نظام سیاسی بر پایه فضیلت، عدالت و عقلانیت دینی استوار گردد. مردمی‌سازی قدرت از نظر اسلام سیاسی شیعه، برقراری توازن میان دو کانون‌گرایی است: اراده و خواست مردم، از یک‌سو، و هدایت و چهارچوب ارزشی الهی، از سوی دیگر. این نگاه، آن را نه واگذاری بی‌قید قدرت به توده‌ها می‌داند، و نه تمرکز صرف اقتدار در رأس حکومت. (گوهری فخرآباد و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۵). در این سطح، گرایش درونی جامعه به عدالت، مشارکت و خیر عمومی، شرط تداوم تمدن اسلامی است. به بیان دیگر، گرایش‌های ایمانی و

اخلاقی همچون وجدان جمعی تمدن نوین عمل کرده و از انحراف قدرت به طرف استبداد یا مادی‌گرایی جلوگیری می‌کنند.

### مؤلفه اول: عدالت محوری

عدالت در قرآن کریم، شاخصه اخلاق اجتماعی و همچنین معیاری بنیادین برای استقرار و استحکام جامعه معرفی شده است. آیه «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ» (نحل: ۹۰) به وضوح عدالت را به عنوان فرمان الهی و شرط لازم برای تنظیم روابط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بیان می‌کند. عدالت محوری به این معناست که قسط و انصاف در قلب نظام قدرت قرار گیرد و هیچ فرد یا گروهی از دسترسی عادلانه به حقوق و فرصت‌ها محروم نشود (قدسی و نایب‌حقیقی، ۱۴۰۳: ۱۸۴).

در نگاه کلان تمدنی، عدالت محوری روحی است که بدون آن، تمدن نوین اسلامی نمی‌تواند پایدار باشد. تاریخ نشان داده که نابرابری و ظلم، بزرگ‌ترین عامل سقوط تمدن‌ها بوده‌اند. در مقابل، عدالت، نهادها را استحکام بخشیده، اعتماد عمومی را افزایش داده و مشارکت مردمی را تقویت می‌کند. از منظر اجتماعی نیز عدالت محوری شکاف‌های طبقاتی را کاهش داده و احساس عدالت در میان شهروندان را تقویت می‌کند (جوادیان‌فرد و کوهی، ۱۴۰۲: ۲۳). آیه «وَأَقِمْوَا الْوِزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ» (الرحمن: ۹) نشان می‌دهد که عدالت باید حتی در کوچک‌ترین معاملات اقتصادی نیز رعایت شود.

با این مقدمه، عدالت محوری نقشی محوری در مردمی‌سازی قدرت دارد؛ چراکه با جلوگیری از تمرکز قدرت در دست طبقات خاص، زمینه مشارکت عادلانه همه اقشار جامعه را فراهم می‌کند. این ویژگی، یکی از پایه‌های اصلی مشروعیت و پایداری تمدن نوین اسلامی است (جعفری هفت‌خوانی و کوهکن، ۱۳۹۸: ۹۶).

### مؤلفه دوم: مشارکت فکری

قرآن کریم اصل مشارکت فکری متقابل را طبق آیه «وَأْمُرْهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ» (شوری: ۳۸) به مثابه یکی از ویژگی‌های برتری بخش جامعه مؤمن معرفی می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۸: ۴۱۲). این آیه بیانگر این حقیقت است که فرایند تصمیم‌گیری در جامعه اسلامی نباید

انحصاری یا فردمحور باشد، بلکه باید برپایه مشارکت جمعی و تبادل نظر صورت گیرد. شورا، هم ارزشی الهی و هم مکانیسمی عملیاتی برای هدایت جامعه است (آقاجانی، ۱۴۰۳: ۳۷).

در جوامع امروزی، تشکیل هیئت اندیشه‌ورز به منزله بستری برای عقلانیت جمعی عمل می‌کند و تصمیمات را با حداقل خطا و حداکثر پذیرش عمومی همراه می‌سازد (سلطانی‌رنانی، ۱۳۸۸: ۱۶۹). این امر، پایداری و انطباق‌پذیری تمدن اسلامی را در برابر چالش‌های درونی و بیرونی تضمین می‌کند. به تحقیق، مشارکت فکری مردمی، سرمایه اجتماعی را افزایش داده و حس تعلق و مالکیت جمعی را در میان مردم تقویت می‌کند. مشارکت در تصمیم‌گیری، فاصله میان حاکمان و مردم را کاهش داده و همبستگی ملی را عمیق‌تر می‌سازد.

به نظر برخی از محققان (معصومی‌نیا و یزدی، ۱۴۰۳: ۹۲)، در چهارچوب مردمی‌سازی قدرت، مشارکت فکری جامعه، مکانیسمی کلیدی برای تسری قدرت از سطح نخبگان به عموم جامعه است.

#### مؤلفه سوم: پاسخ‌گویی و مسئولیت‌خواهی حاکمان

قرآن کریم با عبارت «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا» (نساء: ۵۸)، حاکمان را موظف به رعایت امانت و پاسخ‌گویی می‌داند. این آیه بیان می‌کند که قدرت، امانتی الهی و مردمی است که حاکمان موظف‌اند آن را با مسئولیت‌پذیری و شفافیت به کار گیرند. پاسخ‌گویی، تکلیفی دوگانه در برابر خداوند و مردم است (اراکي، ۱۳۸۸: ۴۸).

پاسخ‌گویی، ساختاری از دیدگاه شارع مقدس، یکی از ارکان حکمرانی مطلوب در تمدن اسلامی محسوب می‌شود (جعفری هفت‌خوانی و کوهکن، ۱۴۰۱: ۱۸۲). هرگاه حاکمان خود را بی‌نیاز از مردم بدانند، فساد، استبداد و بحران مشروعیت رخ می‌دهد. در مقابل، پاسخ‌گویی اعتماد عمومی را افزایش داده و زمینه ثبات و پیشرفت تمدنی را فراهم می‌آورد.

با نگاهی اجتماعی به این مؤلفه، پاسخ‌گویی حاکمان موجب می‌شود مردم با اطمینان بیشتری در فرایندهای حکمرانی مشارکت کنند. این امر، انسجام اجتماعی را تقویت کرده و

فضایی از همکاری و همبستگی ایجاد می‌کند (عصاریان نژاد و علیزاده، ۱۳۹۸: ۸۷). همچنین مردمی‌سازی قدرت، بدون پاسخگویی پویا، غیرممکن به نظر می‌رسد.

#### مؤلفه چهارم: عدالت در داوری و تصمیم‌گیری

قرآن کریم در آیه «وَإِذَا حَكَمْتُم بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ» (نساء: ۵۸) بر ضرورت رعایت عدالت در داوری میان افراد تأکید می‌کند. این اصل بیانگر آن است که هیچ تصمیم سیاسی، قضایی یا اداری نباید تحت تأثیر جانبداری، منفعت‌طلبی یا تبعیض باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۸: ۴۱۰).

از دیدگاه حقوق اساسی، نظام قضایی صالح و تصمیم‌گیری عادلانه، یکی از پایه‌های اصلی اعتماد عمومی به نهادهای حاکمیتی است (معصومی‌نیا و یزدی، ۱۴۰۳: ۸۶). هرگاه مردم احساس کنند قضاوت‌ها ظالمانه، سلیقه‌ای و سیاسی شده‌اند، مشروعیت تمامی ساختارهای تمدنی مورد تردید قرار خواهد گرفت. عدالت در داوری مانع از گرایش به خشونت یا حل اختلافات از طریق قدرت‌های غیررسمی می‌شود و مردم را به استفاده از نهادهای مشروع سوق می‌دهد. این امر، وحدت اجتماعی را تحکیم بخشیده و زمینه پیشرفت تمدنی را فراهم می‌کند (قدسی و نائیج حقیقی، ۱۴۰۳: ۱۷۹). عدالت در داوری، پشتوانه اصلی مردمی‌سازی قدرت است (عسگری، ۱۴۰۱: ۴۵)؛ چراکه اعتماد مردم به نهادهای رسمی، مشارکت آنان در سازوکارهای حکومتی را افزایش داده و تمدن اسلامی را از درون تقویت می‌کند.

#### ۳-۴. حوزه کنشی

حوزه عملیاتی، سطح عینی و اجرایی مردمی‌سازی قدرت است و نشان‌دهنده نحوه تجلی ایمان و ارزش‌های الهی در رفتار اجتماعی و ساختارهای نهادی جامعه اسلامی است. در این سطح، مردم در نقش بازیگران اصلی، در فرایند تصمیم‌سازی، نظارت عمومی و تحقق عدالت، مشارکت فعال دارند. نظام سیاسی مطلوب در این چهارچوب، به جای آنکه بر اطاعت کورکورانه متکی باشد، بر مسئولیت‌پذیری متقابل و احساس تعهد مشترک میان امت و حاکم استوار است (آقاجانی، ۱۴۰۳: ۳۹).

در اندیشه شیعی، این مشارکت نه صرفاً سیاسی بلکه جهادی، اجتماعی و تمدنی است؛ زیرا هدف نهایی آن، ساخت جامعه‌ای است که در آن قدرت از مسیر مردم و به سوی تعالی انسان جریان می‌یابد (حاتمی و همکاران، ۱۴۰۲: ۱۴۰). حوزه کنشی، در واقع، حلقه اتصال نظریه با واقعیت است؛ جایی که ایمان، عقل و عدالت، در قالب رفتار اجتماعی نهادینه شده و شاکله تمدن نوین اسلامی را پدید می‌آورد.

#### مؤلفه اول: امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر، یکی از اصول کنش‌محور و فعالانه جامعه اسلامی است که ریشه قرآنی عمیقی دارد. آیه «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» (آل عمران: ۱۰۴) این فریضه را نه به منزله وظیفه‌ای فردی، بلکه به مثابه مأموریتی جمعی و ساختاری برای اصلاح جامعه معرفی می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۸: ۲۹۳). این اصل، مردم را از موقعیت منفعل رعیت به جایگاه فعال ناظر و اصلاحگر ارتقا می‌دهد و نقش آنان را در هدایت مسیر قدرت و حفظ سلامت اخلاقی و سیاسی جامعه، محوری می‌سازد (چیت‌سازیان، ۱۴۰۱: ۲۴۱).

امر به معروف و نهی از منکر، سازوکاری درونی برای نظارت اجتماعی فراهم می‌آورد که از فروپاشی ارزش‌ها و نفوذ فساد در ساختارهای قدرت جلوگیری می‌کند. تمدن نوین اسلامی، فقط در صورتی پایدار خواهد بود که جامعه‌ای داشته باشد که در برابر انحرافات سیاسی، اخلاقی و اجتماعی بی‌تفاوت نباشد (عسگری، ۱۴۰۱: ۳۴). این فریضه، به مثابه یک سیستم ایمنی اجتماعی، جامعه را در برابر بیماری‌های استبداد، فساد و گرایش به طاغوت مقاومت‌پذیر می‌سازد.

#### مؤلفه دوم: نظارت عمومی

نظارت عمومی در قرآن کریم، به مثابه یکی از ویژگی‌های ذاتی جامعه مؤمن مطرح شده است. آیه «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» (توبه: ۷۱) بیان می‌کند که مؤمنان در برابر یکدیگر وظیفه نظارت اخلاقی و اجتماعی دارند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۸: ۴۱۹). این نظارت، محدود به حوزه فردی نبوده، بلکه شامل

رفتارهای سیاسی، اقتصادی و اداری نیز شده و به عنوان یک حق و تکلیف جمعی در نظر گرفته می شود.

به ادعای برخی از پژوهشگران (عابدی درجه، ۱۴۰۱: ۴۱)، نظارت عمومی شرطی ضروری برای شکل گیری و پایداری تمدن نوین اسلامی است. هرگاه نهادهای قدرت، از دید باز جامعه خارج شوند، فساد، استبداد و انحراف اجتناب ناپذیر خواهند بود. نظارت مردمی، شفافیت در اداره امور را افزایش داده و از تبدیل قدرت به امتیازی انحصاری جلوگیری می کند. این امر، مشروعیت نظام را در برابر چالش های درونی و بیرونی تقویت می سازد.

نظارت عمومی بر رفتار حاکمیت، اعتماد متقابل را در جامعه افزایش می دهد (فرهمندینا و همکاران، ۱۴۰۳: ۱۳۲). وقتی مردم احساس کنند می توانند در عملکرد حاکمان دخالت سازنده داشته باشند، انگیزه بیشتری برای مشارکت در فرایندهای تمدنی پیدا می کنند. این امر، فضایی از مسئولیت پذیری مشترک و همبستگی اجتماعی ایجاد می کند. در چهارچوب مردمی سازی قدرت، نظارت عمومی یکی از ابزارهای عملیاتی و کارآمد است. این مؤلفه موجب می شود قدرت در انحصار گروهی نماند و به صورت مستمر، در معرض قضاوت، ارزیابی و اصلاح عمومی قرار گیرد (جعفری هفت خوانی و کوهکن، ۱۳۹۸: ۹۹). چنین فرایندی، علاوه بر جلوگیری از سوءاستفاده از قدرت، تمدن اسلامی را به سوی شفافیت، پاسخگویی و مشارکت گسترده سوق می دهد.

#### مؤلفه سوم: مشارکت در تصمیم گیری

مشارکت مردم در تصمیم گیری، یکی از اصول کنشی و ساختاری در نظام سیاسی اسلامی است که ریشه اصیل قرآنی دارد (سلطانی رنانی، ۱۳۸۸: ۱۷۶). آیه «وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ» (آل عمران: ۱۵۹)، خطاب به پیامبر اکرم ﷺ، نشان می دهد که حتی در بالاترین سطح رهبری الهی، مشورت و مشارکت جمعی از اصول حکمرانی محسوب می شود. این اصل، تصمیم گیری را از حیطة فردی و تک سویه خارج کرده و آن را به فرایندی جمعی و مشارکتی تبدیل می کند.

مشارکت واقعی، پویا و فزاینده مردم در تصمیم‌گیری، شرطی اجتناب‌ناپذیر برای رشد و پایداری تمدن نوین اسلامی است. سیاست‌ها و برنامه‌هایی که براساس نیازها، دغدغه‌ها و تجربه‌های واقعی مردم شکل می‌گیرند، از پذیرش عمومی بیشتری برخوردار بوده و اجرای آن‌ها با موفقیت بیشتری همراه خواهد بود (جوادیان‌فرد و کوهی، ۱۴۰۲: ۲۸). در مقابل، تصمیمات تحمیلی و فاقد مشارکت، ناکارآمد و موجب بی‌اعتمادی و بحران مشروعیت می‌شوند.

در چهارچوب مردمی‌سازی قدرت، مشارکت در تصمیم‌گیری به معنای انتقال بخشی از قدرت، از سطح حکومتی به سطح مردم است. این امر، قدرت را از حالت عمودی و تمرکزگرا خارج کرده و آن را به صورت افقی در جامعه توزیع می‌کند (اراکی، ۱۳۸۸: ۴۰).

#### مؤلفه چهارم: ایستادگی در برابر ظلم و استبداد

قرآن کریم مؤمنان را به مقابله فعال با ظلم فرامی‌خواند و سکوت در برابر ستم را نوعی همراهی با آن می‌داند. آیه «وَلَا تَكُونُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ» (هود: ۱۱۳) به وضوح بیان می‌کند که وابستگی یا سکوت در برابر ظالمان، عواقب الهی و اجتماعی جدی دارد. این اصل، جامعه ایمانی را به منزله نیرویی فعال در برابر هرگونه انحراف قدرت معرفی می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۸: ۲۷۸).

در طول تاریخ، بین جریان حق و جریان باطل نزاع بوده است. اگر تحقق حق را آرمان تمدنی بدانیم، مقاومت جریان حق در برابر جریان باطل، امری در مسیر تمدن‌سازی است. براین اساس، مقاومت در برابر ظلم جریان باطل، از مؤلفه‌های جدی تحقق تمدن نوین اسلامی است.

از منظر کنشگری اجتماعی، ایستادگی در برابر ظلم، روحیه شجاعت، عدالت‌خواهی و مسئولیت‌پذیری را در میان مردم تقویت می‌کند. این امر، فرهنگ مقاومت در برابر سلطه و تسلیم‌ناپذیری در برابر انحراف را نهادینه کرده و جامعه را در برابر فشارهای داخلی و خارجی مقاومت‌پذیر می‌سازد (قدسی و نائیج‌حقیقی، ۱۴۰۳: ۱۸۴).

در چهارچوب مردمی‌سازی قدرت، ظلم‌ستیزی روحیه‌ای است که بدون آن، مردمی‌سازی صرفاً شکلی خواهد بود. هنگامی که مردم در برابر انحراف و استبداد ایستادگی

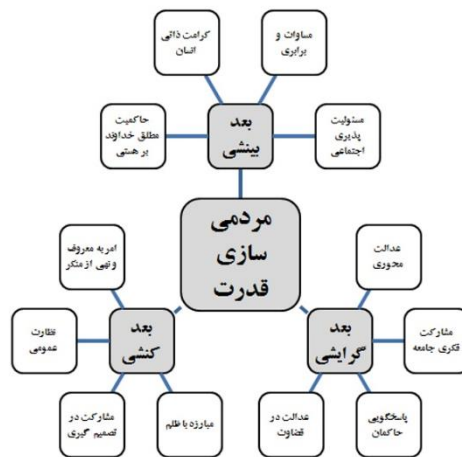
کنند، حاکمان ناگزیر به رعایت عدالت، پاسخ‌گویی و شفافیت خواهند شد (حاتمی و همکاران، ۱۴۰۲: ۱۳۹).

جدول مؤلفه‌های مردمی سازی قدرت در تحقق تمدن نوین اسلامی از منظر قرآن کریم

حوزه	مؤلفه اصلی	آیه قرآنی	تبیین علمی
تواضع	حاکمیت مطلق خداوند و نفی سلطه طاغوت	«إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ» (یوسف: ۴۰)	قدرت در نگاه قرآنی، امانتی الهی است و مشروعیت آن انحصاراً از سوی خداوند تعریف می‌شود.
	کرامت ذاتی انسان	«وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ...» (اسراء: ۷۰)	کرامت انسانی، مبنای مشارکت واقعی مردم در ساختار قدرت است.
	اصل مساوات و برابری	«يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ...» (حجرات: ۱۳)	مشارکت مردمی فراتر از طبقه، نژاد و جنسیت در قرآن مشروعیت دارد.
	مسئولیت‌پذیری اجتماعی	«وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ...» (آل عمران: ۱۰۴)	جامعه اسلامی موظف است مسئولیت هدایت و نظارت جمعی بر قدرت را بر عهده گیرد.
تواضع	عدالت‌محوری	«إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ...» (نحل: ۹۰)	عدالت ارزش محوری در کاربست و توزیع قدرت است.
	مشارکت فکری جامعه	«وَأْمُرْهُمْ شُورَىٰ» «بَيْنَهُمْ...» (شوری: ۳۸)	شورا در قرآن، ارزش بنیادین برای تحقق مشارکت مردمی است.
	مسئولیت‌خواهی و پاسخ‌گویی حاکمان	«وَقِفُّهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ» (صافات: ۲۴)	حاکمان در برابر خدا و مردم پاسخگو هستند و این امر گرایشی مهم در قرآن است.
	عدالت در قضاوت و تصمیم‌گیری	«وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ...» (نساء: ۵۸)	تصمیم‌گیری عادلانه، شرط اساسی مشارکت مؤثر مردم است.
تواضع	امربه معروف و نهی از منکر	«كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ...»	مشارکت فعال مردم در اصلاح و هدایت جامعه، بخشی از کنش

اجتماعی قرآنی است.	(آل عمران: ۱۱۰)	
مردم باید بر کارکرد قدرت نظارت کنند و شاخص‌های الهی را محقق سازند.	«الَّذِينَ فِي الْأَرْضِ...» (حج: ۴۱)	نظارت عمومی بر قدرت
حضور مستقیم مردم در فرایند تصمیم‌سازی، رفتار عینی مردمی‌سازی قدرت است.	«وَسَاوَوْهُمْ فِي الْأَمْرِ...» (آل عمران: ۱۵۹)	مشارکت در تصمیم‌گیری جمعی
مردم وظیفه دارند در برابر ظلم و استبداد مقاومت کنند تا قدرت مردمی باقی بماند.	«وَلَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا...» (هود: ۱۱۳)	ایستادگی در برابر ظلم و استبداد

(منبع: یافته‌های پژوهش)



مدل مفهومی مفهوم مردمی‌سازی قدرت در تحقق تمدن نوین اسلامی

### نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش نشان داد که مفهوم مردمی‌سازی قدرت از دیدگاه قرآن کریم، دارای سه حوزه اصلی بینشی، گرایشی و کنشی است که هر یک با مؤلفه‌های مشخص و آیات روشنگر تقویت می‌شوند. حوزه بینشی با تأکید بر حاکمیت مطلق الهی، کرامت ذاتی انسان، مساوات و مسئولیت‌پذیری اجتماعی، بنیان معرفتی مردمی‌سازی قدرت را ترسیم می‌کند. حوزه گرایشی، با محورهایی چون عدالت محوری، شورا، پاسخگویی و عدالت در داوری، ارزش‌ها و نگرش‌های اساسی برای مدیریت مردمی قدرت را سامان می‌دهد. حوزه کنشی

نیز با مؤلفه‌های امر به معروف و نهی از منکر، نظارت عمومی، مشارکت در تصمیم‌گیری و ایستادگی در برابر ظلم، سازوکارهای عملی و رفتاری تحقق این الگورا ارائه می‌کند. برآیند این سه حوزه نشان می‌دهد که قرآن کریم با دعوت مردم به مشارکت فعال، پویا و مسئولانه در قدرت، به دنبال تحقق الگویی جامع و پایدار برای شکل‌گیری تمدنی مبتنی بر عدالت، انسجام اجتماعی و کارآمدی حکمرانی است.

از منظر قرآن کریم، مردمی‌سازی قدرت با آموزه‌هایی مانند «امر به مشورت» (شورا: ۳۸)، «تعاون در خیر» (مائده: ۲)، «احقاق حق» و «عدالت» (نحل: ۹۰) پیوند خورده است. این آموزه‌ها نشان می‌دهند که مشارکت فعال مردم در امور اجتماعی و سیاسی، هم یک حق و هم تکلیفی دینی و راهبردی برای حفظ کرامت انسانی و پایداری جامعه اسلامی است. قرآن کریم، شورا و مشورت را به‌عنوان نشانه‌ای از حکمرانی عادلانه و مردمی معرفی می‌کند که می‌تواند زمینه‌ساز تحقق تمدن نوین اسلامی باشد.

### تشکر و سپاسگزاری

بدین وسیله از تمام پژوهشگرانی که از مطالعات آن‌ها در این پژوهش استفاده شد، صمیمانه تشکر و قدردانی می‌شود.

### تعارض منافع

این مطالعه برای نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافی نداشته است.

### منابع مالی

این پژوهش هیچ‌گونه کمک مالی از سازمان‌های تأمین مالی در بخش‌های عمومی، تجاری یا غیرانتفاعی دریافت نکرده است.

## کتاب‌نامه

قرآن کریم.

نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی.

شیرعلی، اسماعیل (۱۴۰۱). مفهوم‌شناسی مردمی‌سازی حکمرانی. حکمرانی متعالی، ۲(۴)، ۱۱-۳۰.

اراکي، محسن (۱۳۸۸). جایگاه شورا در انتخاب حاکم اسلامی. حکومت اسلامی، ۱۴(۲)، ۳۴-۵۷.

آقاجانی، علی (۱۴۰۳). «شورا» و مشارکت سیاسی حداکثری مشروط (واکارگزارانه): نگاهی تحلیلی به جایگاه «شورا» در تفسیر سیاسی-موضوعی قرآن. مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی، (۳۲)، ۲۹-۵۰. doi: 10.22034/isqs.2025.46986.2215.50

باقری چوکامی، سیامک، و عابدینی، فرامرز (۱۴۰۲). بازخوانش ادبیات قدرت، متناسب با ظرفیت فرهنگی تمدنی جمهوری اسلامی ایران. مطالعات سیاسی تمدن نوین اسلامی، (۵)۳، ۳۴-۶۲. doi: 10.22034/rcdir.2023.189192

پرویش، محسن (۱۳۹۸). بررسی ظرفیت‌های تمدن‌سازی در جهان اسلام، با تکیه بر پیاده‌روی اربعین. تمدن اسلامی و دین‌پژوهی، ۱(۲)، ۲۰۴-۲۱۹. doi: 20.1001.1.26764830.1398.1.2.2.4

توکلی، علیرضا، و گودرزی، غلامرضا (۱۴۰۱). الگوی حکمرانی سرآمد (نظام توحیدی و مردم‌سالاری دینی). مطالعات سیاسی تمدن نوین اسلامی، ۲(۴)، ۱۵۸-۱۸۰. doi: 20.1001.1.37952538.1401.2.4.11.2

جعفری هفت‌خوانی، نادر، و کوهکن، محمدرضا (۱۳۹۸). آسیب‌ها و موانع تحقق مردمی‌سازی دیپلماسی فرهنگی در ایران؛ یک پژوهش کیفی. مطالعات قدرت نرم، ۹(۲۰)، ۱۷۰-۱۹۲. جعفری هفت‌خوانی، نادر، و کوهکن، محمدرضا (۱۴۰۱). الگوی سیاستی مردمی‌سازی دیپلماسی فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران. راهبرد فرهنگ، ۱۵(۶۰)، ۸۹-۱۰۸. جوادیان‌فرد، سعید، و کوهی، احمد (۱۴۰۲). تحلیل لایه‌ای علی حکمرانی مردمی و ارائه سیاست‌های پیشنهادی مبتنی بر آینده مطلوب. دین و سیاست فرهنگی، ۱۰(۲۱)، ۱۹-۴۳. چیت‌سازان، علیرضا (۱۴۰۱). مردمی‌سازی غربی و انقلابی؛ دور روح متفاوت. حکمرانی متعالی، ۱(۴)، ۲۰۸-۲۴۰.

حاتمی، سهیلا، اسماعیلی، فاطمه، همراهی، زهرا، و خوش‌آمدی، منیژه (۱۴۰۲). مشارکت خانواده در فرایند تربیتی مدرسه و مردمی‌سازی تعلیم و تربیت. تحقیقات راهبردی در تعلیم و آموزش و پرورش، ۱(۱۰)، ۱۲۶-۱۴۵.

رحیمی جابری، اعظم (۱۳۹۹). تبیین زمینه‌ها و مؤلفه‌های ارتقای تمدن اسلامی. تمدن اسلامی و دین‌پژوهی، سال اول، شماره (۳)، ۷۳-۵۴. 20.1001.1.26764830.1399.2.3.3.4. doi: 10.22034/rcdir.2024.450056.1104. ۲۱۷-۱۸۰، (۸)۴، اسلامی، سلطانی رنانی، سید مهدی (۱۳۸۸). مشورت در سیره نبوی. فرهنگ کوثر، شماره (۷۹)، ۱۶۷-۱۸۸.

طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۷۸). تفسیر المیزان. قم، انصاریان. طبری، محمد بن جریر (۱۳۸۶). تفسیر طبری. تهران، میزان. عابدی درچه، محسن (۱۴۰۱). مردمی‌سازی حکمرانی متعالی در اندیشه و راهبرد امامین انقلاب اسلامی. حکمرانی متعالی، شماره (۸)، ۴۸-۲۳. عسگری، محمود (۱۴۰۱). ویژگی‌های مؤثر در مردمی‌سازی حکمرانی امنیتی، با تأکید بر بیانات مقام معظم رهبری (قدس سره). حکمرانی متعالی، ۳ (۱۱)، ۵۴-۳۱. عصاریان نژاد، حسین، و علیزاده، سلیمان (۱۳۹۸). استمرار و مردمی‌سازی مناسبت‌های اسلامی-انقلابی مؤثر در استحکام درونی قدرت جمهوری اسلامی ایران. پژوهش‌های حفاظتی-امنیتی، ۸ (۲۹)، ۹۴-۷۱.

فرهمندنیا، علیرضا، خادمی، سید محسن، و بیاتی، پروانه (۱۴۰۳). مردمی‌سازی کارکردهای دولت، با تأکید بر منظومه فکری مقام معظم رهبری. مطالعات دولت‌پژوهی در جمهوری اسلامی ایران، ۹ (۲۳)، ۱۴۷-۱۲۵. 20.1001.1.27831914.1403.10.2.1.0.۱۴۷-۱۲۵. doi: 20.1001.1.22516980.1403.32.2.5.0.۱۹۳-۱۶۹، (۱۲۷)۳۲، مدیریت اسلامی، مقدسی، مصطفی، و نائیب حقیقی، محمد (۱۴۰۳). الزامات مشارکت مردم در وضع قوانین و مقررات. مدیریت اسلامی، ۳۲ (۱۲۷)، ۱۹۳-۱۶۹. 20.1001.1.22516980.1403.32.2.5.0.۱۹۳-۱۶۹. doi: 20.1001.1.22516980.1403.32.2.5.0.۱۹۳-۱۶۹. قرائتی، محسن (۱۳۸۴). تفسیر نور. قم، انصاریان.

گوهری فخرآباد، محسن، و گوهری فخرآباد، سمانه (۱۳۹۹). دیدگاه قرآن کریم درباره عوامل سقوط و انحطاط امت‌ها. تمدن اسلامی و دین‌پژوهی، ۱ (۴)، ۲۷-۱۰. 20.1001.1.26764830.1399.2.4.1.4. doi: 20.1001.1.26764830.1399.2.4.1.4.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۹). تفسیر نمونه (گزیده ۵ جلدی). قم، انصاریان.

## Transliterated Bibliography

The Holy Qur'an. [In Arabic].

Nahj al-Balagha (Trans. Mohammad Dashti). [In Persian].

Abedi Darcheh, M. (2022). The popularization of transcendent governance in the thought and

- strategy of the leaders of the Islamic Revolution. *Transcendent Governance*, (8), 23–48. [In Persian].
- Aqajani, A. (2025). “Council” and Conditional Maximum Political Participation (De-agentive); An Analytical Look at the Position of “Council” in the Political-Thematic Interpretation of the Quran. *Qur’anic Studies&Islamic Culture*, (32), 29–50. doi:10.22034/isqs.2025.46986.2215 [In Persian].
- Araki, M. (2009). The position of shura in selecting the Islamic ruler. *Islamic Government*, 14(2), 34–57. [In Persian].
- Asarian Nejad, H., & Alizadeh, S. (2019). Continuity and popularization of Islamic revolutionary occasions affecting the internal consolidation of the power of the Islamic Republic of Iran. *Protective Security Studies*, 8(29), 71–94. [In Persian].
- Asgari, M. (2022). Effective characteristics in the popularization of security governance with emphasis on the statements of the Supreme Leader. *Transcendent Governance*, 3(11), 31–54. [In Persian].
- Bagheri Choukami, S., & Abedini, F. (2023). Rereading the literature of power in accordance with the capacities of the Islamic Republic of Iran's civilizational culture. *Political Studies of Islamic Civilization*, 3(5), 34–62. doi:10.22034/rcdir.2023.189192 [In Persian].
- Chitsazan, A. (2022). Western and revolutionary popularization: Two different spirits. *Transcendent Governance*, 1(4), 208–240. [In Persian].
- Farahmandnia, A., Khademi, S. M., & Bayati, P. (2024). Popularizing the functions of government with emphasis on the intellectual framework of the Supreme Leader. *Government Studies in the Islamic Republic of Iran*, 9(23), 125–147. Dor:20.1001.1.27831914.1403.10.2.1.0 [In Persian].
- Gohari Fakhrrabad, M., & Gohari Fakhrrabad, S. (2020). The view of the Holy Qur’an on the factors of the decline and fall of nations. *Islamic Civilization and Religious Studies*, 1(4), 10–27. dor:20.1001.1.26764830.1399.2.4.1 [In Persian].
- Hatami, S., Esmaili, F., Hamrahi, Z., & Khosh Amadi, M. (2023). Family participation in the educational process of school and the popularization of education. *Strategic Research in Teaching and Education*, 1(10), 126–145. [In Persian].
- Jafari Haftkhani, N., & Kouhkan, M. (2019). Challenges and obstacles to the realization of the popularization of cultural diplomacy in Iran: A qualitative study. *Soft Power Studies*, 9(20), 170–192. [In Persian].

- Jafari Haftkhani, N., & Kouhkan, M. (2022). Policy model for the popularization of cultural diplomacy in the Islamic Republic of Iran. *Cultural Strategy*, 15(60), 89–108. [In Persian].
- Javadian Fard, S., & Kouhi, A. (2023). Causal layered analysis of popular governance and presenting policy proposals based on the desirable future. *Religion and Cultural Policy*, 10(21), 19–43. [In Persian].
- Makarem Shirazi, N. (2010). *Tafsir Nemooneh (Selected vols.)*. Qom: Ansarian. [In Persian].
- Parvish, M. (2019). Examining the civilization-building capacities in the Islamic world with emphasis on the Arbaeen pilgrimage. *Islamic Civilization and Religious Studies*, 1(2), 204–219. doi:20.1001.1.26764830.1398.1.2.2.4 [In Persian].
- Qara'ati, M. (2005). *Tafsir Noor*. Qom: Ansarian. [In Persian].
- Qodsi, M., & Naeij Haghighi, M. (2023). Requirements For People's Participation In Making Laws And Regulations. *Islamic Management*, 32(127), 169–193. doi:20.1001.1.22516980.1403.32.2.5.0 [In Persian].
- Rahimi Jaberi, A. (2020). Explaining the contexts and components of the promotion of Islamic civilization. *Islamic Civilization and Religious Studies*, 1(3), 54–73. doi:20.1001.1.26764830.1399.2.3.3.4 [In Persian].
- Rashidi, M. R., Saboori, P., & Radmehr, M. (2025). Examining the role of Basij social participation in the formation of modern Islamic civilization. *Political Studies of New Islamic Civilization*, 4(8), 180–217. doi:10.22034/rcdir.2024.450056.1104 [In Persian].
- Shirali, E. (2022). The conceptualization of the popularization of governance. *Transcendent Governance*, 2(4), 11–30. [In Persian].
- Soltani Renani, S. M. (2009). Consultation in the Prophetic tradition. *Farhang-e Kowsar*, (79), 167–188. [In Persian].
- Tabari, M. ibn Jarir. (2007). *Tafsir al-Tabari*. Tehran: Mizan. [In Arabic].
- Tabataba'i, S. M. H. (1999). *Al-Mizan fi tafsir al-Qur'an*. Qom: Ansarian. [In Arabic].
- Tavakkoli, A., & Godarzi, G. (2023). The exemplar of prime sovereignty (Monotheistic system and religious democracy). *Political Studies of New Islamic Civilization*, 2(4), 201–220. doi:20.1001.1.37952538.1401.2.4.11.2 [In Persian].